



دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت جام

مجله تحقیق و توسعه سلامت

دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای مسئله محور بر سبک‌های مقابله و میزان استرس مادران کودکان

دارای اختلالات یادگیری: یک مطالعه تجربی

فاطمه رجبیان (Msc)^۱، نرگس ادیب سرشکی (PhD)*^۲، مرجان پشت مشهدی (PhD)^۳، محسن واحدی (PhD)^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

سابقه و هدف: وجود کودک با اختلال یادگیری در خانواده، مولد استرسی است که نیازمند رشد و توسعه پاسخ‌های مقابله‌ای مناسب از سوی والدین، به ویژه مادران است. آموزش مهارت‌های مقابله، به این والدین مهارت‌های مفیدی می‌آموزد که می‌توانند آنها را در طول زمانهای سخت، به کار برند. هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار بر استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای و کاهش استرس مادران کودکان با اختلالات یادگیری بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نوع تجربی با طرح پیش آزمون، پس آزمون، پیگیری با یک گروه کنترل بود. افراد نمونه شامل ۶۰ مادر که کودک با اختلال یادگیری ۸ تا ۱۲ سال داشتند از مرکز اختلال یادگیری شهر مشهد انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جا گماری شدند (هر گروه ۳۰ نفر). از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد و گروه آزمایش آموزش راهبردهای مقابله مساله‌مدار را در ۱۰ جلسه دریافت نمود. در حالی که به گروه کنترل این مداخله ارائه نشد و در پایان جلسات برای هر دو گروه پس‌آزمون و پس از دو ماه مرحله پیگیری اجرا شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه استرس والدینی آبی‌دین (۱۹۹۵) و پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) بود.

یافته‌ها: در مهارت‌های مقابله مساله‌مدار، مهارت‌های مقابله هیجان‌مدار و استرس بین سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی وجود داشت ($p < 0/05$). در پس‌آزمون و پیگیری گروه مداخله، تغییر نمرات مهارت‌های مقابله مساله‌مدار (حمایت یابی، مسئولیت پذیری، حل مسئله)، مهارت‌های مقابله هیجان‌مدار (دوری گزینی، و گریز و اجتناب) و همچنین کاهش نمرات استرس معنادار بود ($p < 0/05$). اما تأثیر آموزش برای مولفه‌های برآورد مثبت، خویشتن‌داری و رویارویی، پس از گذشت دو ماه پیگیری، پایدار نبود ($p < 0/05$).

نتیجه گیری: آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار می‌تواند بر استفاده مناسب از راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار تأثیر بگذارد. پیشنهاد می‌شود با اجرای برنامه آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار، مادران و بخصوص مادران کودکان با اختلال یادگیری را در کاهش استرس و بهبود استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای مناسب در مواجهه با مشکلات، یاری نمود.

واژه های کلیدی: راهبردهای مقابله‌ای مساله‌مدار، استرس، مادران، اختلالات یادگیری

نویسنده مسئول: نرگس ادیب سرشکی، استادیار، دکترای توانبخشی اعصاب اطفال، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

E-mail: na.adib@uswr.ac.ir

آدرس: تهران، اوین، بلوار دانشجو، خ کودکیار، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۲- استادیار توانبخشی اعصاب اطفال، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

۳. استادیار روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

۴. دانشیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

مقدمه

اختلالات یادگیری به اختلالاتی گفته می شود که روی کسب، سازماندهی، به یاد سپاری، درک کردن، یا بکار بردن اطلاعات بصورت لفظی و یا غیر لفظی تاثیر می گذارد. این اختلالات رشدی عصبی می تواند به مشکلات دریافت و پردازش اطلاعات لفظی و غیرلفظی منجر شود (۱). معمولاً اختلالاتی چون نقص توجه/بیش فعالی، اضطراب، اختلالات نافرمانی و اختلال وسواس اجباری از اختلالات همراه هستند (۲).

وجود کودک دارای اختلال یادگیری در خانواده، با توجه به نیازهای مراقبتی خاص کودک، برای مادران که نسبت به سایر اعضا بیشتر با کودک تعامل دارند منبع استرس است. استرسی که به خاطر افزایش مسئولیت مادران کودکان دارای اختلال یادگیری، ایجاد می گردد و باعث کاهش سلامت روانی مادران می شود و همچنین بر رشد هیجانی، رفتاری و سلامت کودکان آنان نیز تاثیرات سویی می گذارد و باعث تضعیف ارتباط عمیق و عاطفی بین مادر و کودک می گردد (۳).

بر طبق نظریه های روانشناختی، برای کاهش استرس، به کارگیری راهبردهای مقابله ای نقش مهمی در سلامت روانی افراد دارند و به عبارتی هر چه توانایی افراد برای مقابله کارآمد و موثر باشد، احتمال کمتری وجود دارد در موقعیت های استرس زا دچار تنش شوند. راهبردهای مقابله ای به مجموعه روش هایی گفته می شود که در مواجهه و برخورد با شرایط استرس زا مورد استفاده قرار می گیرند (۴). تلاشی که افراد برای بازگرداندن تعادل و از بین بردن تنش ها استفاده می کنند و منجر به حل مسئله و سازگاری با مشکل، و یا عدم دست یابی به راه حل مناسب می شود، می تواند از آن جمله باشد (۵). مطالعات بیانگر این می باشند که راهبردهای مقابله ای که افراد در مواجهه با فشارهای روزمره زندگی و در مواجهه با استرس به کار می گیرند، با عملکرد بدنی و روانی همبستگی دارند (۶). برطبق نظریه لازاروس دو گونه مقابله اصلی (مسأله مدار و هیجان مدار) در مواجهه افراد با فشار روانی وجود دارد. در مقابله مسأله مدار فرد متمرکز بر عوامل تنش زا می شود و تلاش می کند اقدامات موثری در جهت تغییر شرایط تنش زا یا از بین بردن آن

انجام دهد. او سعی می کند در مورد مسئله جستجو کرده، اطلاعات بیشتر جمع آوری کنند و برطبق آن مراحل را برای حل مسأله دسته بندی کند (۷). نقطه مقابل، در مقابله هیجان مدار تمام سعی فرد در مهار کردن پیامدهای هیجانی واقعه فشار آور است. کارکرد اصلی مقابله هیجان مدار، تنظیم نمودن و مهار کردن هیجانات بوجود آورنده ی فشار می باشد تا تعادل هیجانی فرد کنترل شود (۸) و همه ی تلاش های فرد در جهت کم کردن احساسات ناخوشایند خودش است (۹). آموزش مهارتهای مقابله مساله مدار به والدین مهارت های مفید و موثری یاد می دهد که بتوانند از آنها در طول زمان، استفاده نموده و مشکلات روانی در آنها کاهش یابد. تجربی و همکاران (۱۰) نشان دادند که آموزش مهارت های مساله مدار به مادران کودکان با سندرم داون باعث کاهش نشانه های روانی در آنها می شود. اگر والدین کودک با نیازهای ویژه از استراتژی های مثبت و کاربردی استفاده کند می تواند استرس خود را موقع نگهداری از کودک کاهش داده (۱۱) و توانایی در او ایجاد شود که بتواند به نحوی مؤثر و سازگارانه با شرایط و تنش های روز مره زندگی برخورد نماید (۱۲). در مطالعه مرور سیستماتیک در مورد استراتژی های مقابله ای مادران دارای کودکان با نیاز ویژه ذکر شده است که استفاده از استراتژی هایی چون جستجو برای حمایت اجتماعی، آگاهی نسبت به شرایط سلامتی کودک، و حمایت خانواده می تواند برای مقابله با چالش هایی چون افزایش استرس، اضطراب، افسردگی و کاهش کیفیت زندگی مزدوج و خوش بینی موثر باشد (۱۳). داده های بدست آمده مبین اثر کاهش سطح یاس و استرس والدینی و بکارگیری راهبردهای مقابله ای بوده است.

کودکان دارای ناتوانی یادگیری اکثر اوقات خود را با مادران خویش می گذرانند. این مادران سطح بالایی از افسردگی و تنش روانی را نسبت به پدران تجربه می کنند. لذا، به توجه بیشتر و انجام مداخلاتی که باعث کم کردن میزان استرس آنها گردد نیاز دارند (۱۴). آموزش مهارت مقابله با استرس منجر به کم کردن هزینه های توانبخشی و درمانی کودک و مادر خواهد شد. با انجام مطالعات پژوهشی بر روی افرادی که بار عاطفی فرزندان خود را بر عهده دارند، مانند والدین

کاهش یافت و داده ها با توجه به این تعداد تجزیه و تحلیل شدند.

بعد از گرفتن تاییدیه اخلاقی از کمیته اخلاق در پژوهش، بر اساس معیارهای ورود و خروج و اخذ رضایت نامه آگاهانه از مادران، نمونه ها (مادران کودکان با اختلالات یادگیری) انتخاب و بطور تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. از هر دو گروه پیش آزمون گرفته شد. گروه آزمایش به گروه های کوچکتر (۱۰ نفره) تقسیم شد و در ۱۰ جلسه، آموزش راهبردهای مقابله ای (حدود یک ساعت و دو جلسه در هفته) انجام شد. بعد از اتمام مداخله که به مدت پنج هفته به طول انجامید، از هر دو گروه آزمایش و کنترل پس آزمون و دو ماه بعد از آن پیگیری انجام شد. با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی پس از اجرای مداخله در دو جلسه دو ساعته برای گروه کنترل آموزش راهبردهای مقابله ای در نظر گرفته شد.

در پژوهش حاضر، در سطح تحلیل داده های استنباطی، جهت آزمون فرضیه ها از تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر، با در نظر گرفتن پیش فرض های لازم شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس ها، همسانی ماتریس های کوواریانس، و فرض کرویت ماچلی، استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون شاپیرو-ویلک بهره گرفته شد.

ابزار تحقیق

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس

این پرسشنامه شامل ۶۶ سوال است. دو راهبرد هیجان مدار و مساله مدار را مورد سنجش قرار می دهد. در این پرسشنامه خرده مقیاس های راهبردهای مساله مدار شامل جستجوی حمایت اجتماعی، مسولیت پذیری، حل مدبرانه ی مساله و باز برآورد مثبت و خرده مقیاس های راهبردهای هیجان مدار شامل رویارویی، خویشتن داری، دوری گزینی و گریز و اجتناب هستند (۱۵). پایایی و روایی پرسشنامه راهبردهای مقابله ای از طریق آزمایش ثبات درونی اندازه های مقابله ای که به وسیله ضریب و آلفای کرونباخ بدست آمده است. به منظور بررسی روایی همگرایی پرسشنامه از همبستگی نمره های خام حاصل از پرسشنامه با نمره های خام حاصل از پرسشنامه استرس لیبونل استفاده شده است که نشان داد

فرزندان دارای اختلال یادگیری خاص و انعکاس نتایج آن به دست اندرکاران و دستگاه های مربوطه، می توان در رفع مشکلات قدم برداشت. ضمناً مطالعات، بیشتر در بستر آموزش حضوری اجرا شده اند، با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش مهارت های مقابله ای مساله مدار بر استفاده از راهبردهای مقابله ای و استرس مادران کودکان با اختلالات یادگیری درسیستم مجازی، انجام شد.

مواد و روش ها

روش پژوهش، از نوع مطالعات تجربی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و مرحله پیگیری همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل مادران کودکان با اختلال یادگیری ۸ تا ۱۲ سال مرکز اختلال یادگیری شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. با در نظر گرفتن خطای نوع اول ۰/۰۵، توان آزمون ۸۴ درصد و در نظر گرفتن ریزش، حجم نمونه ۳۵ نفر در هر گروه (مداخله و کنترل) و در کل ۷۰ نفر در نظر گرفته شد. روش انتخاب افراد نمونه به صورت در دسترس بود ولی اختصاص نمونه ها به دو گروه مداخله و کنترل به صورت تصادفی بود. افراد با توجه به معیارهای ورود و خروج وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود این پژوهش، شامل موارد ذیل بود: مادران دارای فرزند با اختلال یادگیری (اختلال فرزند طبق پرونده کودک در مرکز اختلال یادگیری مشخص شده بود که در پرونده نتایج آزمون هوش بر اساس مقیاس سنجش هوش و کسلر برای گروه های پیش دبستانی و دبستانی، آزمون های پیشرفت تحصیلی، آزمون های یکپارچگی بینایی - حرکتی بندر گشتالت و آرزایی بالینی پایه های زبانی (CELF) ثبت شده بود). سن کودکان در گستره سنی ۸ تا ۱۲ سال بود و کودکان اختلال نقص توجه و بیش فعالی نداشتند. معیارهای خروج شامل: غیبت مادر بیش از دو جلسه متوالی در جلسات آموزشی بود. در این مطالعه ریزش نمونه هم وجود داشت که در گروه آزمایش، سه نفر به دلیل غیبت بیش از دو جلسه و دو نفر به دلیل در دسترس نبودن در زمان اجرای مرحله پس آزمون و پیگیری، حجم نمونه به ۳۰ نفر کاهش یافت. در گروه کنترل نیز به دلیل عدم شرکت پنج نفر در مراحل پس آزمون و پیگیری، حجم نمونه به ۳۰ نفر

ضریب اعتماد بازآزمایی آن با فاصله زمانی ۱۰ روز، ۹۴٪ گزارش شده است.

مداخله

این بسته آموزشی بر گرفته از قسمتی از پژوهش یزدانی بوده و از نظرات مشاورین مراکز مشاوره و همچنین اساتید دانشگاه متخصص در رشته های روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، روانشناسی بالینی و مشاوره در تدوین جلسات استفاده گردید. جلسات شامل ۱۰ جلسه آموزش برای گروه آزمایش بود که شامل اهدافی چون مفهوم سازی و توصیف استرس، علائم و پیامدهای آن، نقش افکار در ایجاد استرس و ارتباط افکار با احساسات، ویژگی افکار خودآیند منفی، معرفی خطاهای شناختی، داشتن نگاه و افکار مثبت، خودگویی مثبت و هدایت شده و نقش خودگویی های منفی در ایجاد استرس، شیوه های مقابله با استرس، مباحثی در مورد انواع مقابله (هیجان مدار و مساله مدار)، مهارت حل مساله، تصمیم گیری و مسئولیت پذیری، حفظ کنترل درونی، ارتباطات میان فردی، و یافتن حمایت اجتماعی بود. در این جلسات، برای آموزش، از روشهای متنوع سخنرانی، پرسش و پاسخ و بحث، اسلاید، کلیپهای آموزشی، بیان تجربه مشارکت کنندگان استفاده شد.

یافته ها

در پیش آزمون های مولفه های برآورد مثبت (گروه آزمایش)، حل مساله (گروه کنترل)، حمایت یابی (گروه آزمایش) و مسئولیت پذیری (گروه کنترل)، در پس آزمون و پیگیری مسئولیت پذیری (گروه کنترل) پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار نمی باشد چون در این مؤلفه ها سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است. اما سایر مولفه ها توزیع نرمالی دارند چرا که سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ بوده است. لازم به ذکر است که تحلیل واریانس نسبت به تخطی از مفروضه نرمال بودن، مقاوم است.

جدول ۱ نشان می دهد تاثیر زمان اندازه گیری بر نمرات مهارت های مساله مدار در سطح ($p < 0.05$) معنادار است، می توان بیان کرد صرف نظر از گروه آزمایشی بین میانگین نمرات مهارت های مساله مدار در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

که روایی پرسشنامه بسیار بالاست و نیز نتایج تحلیل مولفه های اصلی و چرخش واریانس نشان داد که این پرسشنامه از ۱۰ عامل با بار عاملی بیش از سه درصد تشکیل شده است (واحدی، ۱۳۷۹) و برای پایایی و روایی، ۷۳۶ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوم و سوم دبیرستان های تهران که از طریق نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند، مورد بررسی قرار گرفتند. ضریب پایایی کل آزمون برای آزمودنها ۸۱ درصد، خرده مقیاس های مساله مدار ۷۰ درصد و خرده مقیاس های هیجان مدار ۶۹ درصد گزارش شده است (حسین زاده، ۱۳۸۹).

پرسشنامه شاخص استرس والدینی (PSI)

این ابزار توسط آبدین ساخته شده است و پرسشنامه ای است که بر اساس آن می توان اهمیت استرس در نظام والدین و کودک را ارزشیابی کرد. این شاخص شامل ۱۲۰ ماده است که در قلمرو کودکی (۴۷ ماده) و والدینی (۵۴ ماده) به اضافه یک مقیاس اختیاری تحت عنوان استرس زندگی (۱۹ ماده) را در بر می گیرد. زیر مقیاس های مربوط به هر قلمرو و همچنین تعداد موارد آنها عبارتند از: قلمرو کودکی (۶ زیر مقیاس): سازش پذیری (۱۱ ماده)، پذیرندگی (۷ ماده)، خلق (۵ ماده)، فزون طلبی (۹ ماده)، بی توجهی و فزون کنشی (۹ ماده)، تقویت گری (۶ ماده) و قلمرو والدینی، هفت زیر مقیاس: افسردگی (۹ ماده)، دلبستگی (۷ ماده)، محدودیت های نقش (۷ ماده)، حس صلاحیت (۱۳ ماده)، انزوای اجتماعی (۶ ماده)، روابط با همسر (۷ ماده)، سلامت والد (۵ ماده) را شامل می شود. شیوه نمره گذاری نیز به روش لیکرت بر حسب پاسخ های ۱ تا ۵ از کاملاً موافقم تا (پاسخ شماره ۱) تا کاملاً مخالفم (پاسخ شماره ۵) انجام می شود. فرآیند تفسیر نتایج در وهله نخست از بررسی نمره کلی مقیاس (قلمروهای کودک و والدین آغاز می شود. پس از آن نتایج زیر مقیاس هایی که در هر قلمرو قرار دارند، بر اساس جدول نمره مورد تحلیل قرار می گیرند (استورا، ۱۳۷۷). ضریب قابلیت اعتماد و همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در یک گروه ۲۴۸ نفری از مادران هنگ کنگی ۹۳٪ به دست آمد. در پژوهشی که دادستان و همکاران انجام دادند نیز مقدار ضریب قابلیت اعتماد، همسانی درونی این ابزار برای کل مقیاس ۸۸٪ و

اندازه‌گیری بین میانگین نمرات مهارت‌های هیجان مدار گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت ۴۰ درصد این تغییرات ناشی از تأثیر آموزش است همچنین با توجه به این که اثر تعامل بین زمان و آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز در سطح ($p < 0.05$) معنادار است.

با توجه به برقراری پیش فرض‌ها، تحلیل واریانس با استفاده از روش اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه گروه‌ها در سه زمان انجام شد. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود تأثیر زمان اندازه‌گیری بر نمرات مولفه‌های دوری جویی و گریز - اجتناب در سطح ($p < 0.05$) معنادار می‌باشد، می‌توان بیان کرد صرف نظر از گروه آزمایشی بین میانگین نمرات مولفه‌های دوری جویی و گریز - اجتناب در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت در مولفه دوری جویی ۱۸ درصد و در مولفه گریز - اجتناب ۱۶ درصد تغییرات ناشی از تأثیر زمان است. تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز بر نمرات مولفه‌های دوری جویی و گریز - اجتناب در سطح ($p < 0.05$) معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از زمان اندازه‌گیری بین میانگین نمرات مولفه‌های دوری جویی و گریز - اجتناب گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت در مولفه دوری جویی ۴۶ درصد و در مولفه گریز - اجتناب ۱۵ درصد تغییرات ناشی از تأثیر آموزش است. همچنین با توجه به این که اثر تعامل بین زمان و آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز در سطح ($p < 0.05$) معنادار است (جدول ۴).

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود تأثیر زمان اندازه گیری بر نمرات استرس در سطح ($p < 0.05$) معنادار است، می‌توان بیان کرد صرف نظر از گروه آزمایشی بین میانگین نمرات استرس در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت ۵۸ درصد این تغییرات ناشی از تأثیر زمان است. تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز بر نمرات استرس در سطح ($p < 0.05$) معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات استرس

تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت ۵۹ درصد این تغییرات ناشی از تأثیر زمان است. تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز بر نمرات مهارت‌های مساله مدار در سطح ($p < 0.05$) معنادار می‌باشد. همچنین با توجه به این که اثر تعامل بین زمان و آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز در سطح ($p < 0.05$) معنادار است.

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تأثیر زمان اندازه‌گیری بر نمرات مولفه‌های حمایت یابی، مسئولیت پذیری و حل مسئله در سطح ($p < 0.05$) معنادار است، می‌توان بیان کرد صرف نظر از گروه آزمایشی بین میانگین نمرات مولفه‌های حمایت یابی، مسئولیت پذیری و حل مسئله در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت در مولفه حمایت یابی ۳۱ درصد، در مولفه مسئولیت پذیری ۴۱ درصد و در مولفه حل مساله ۵۰ درصد تغییرات ناشی از تأثیر زمان است. تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز بر نمرات مولفه‌های حمایت یابی، مسئولیت پذیری و حل مسئله در سطح ($p < 0.05$) معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از زمان اندازه‌گیری بین میانگین نمرات مولفه‌های حمایت یابی، مسئولیت پذیری و حل مسئله گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت در مولفه حمایت یابی ۱۸ درصد، در مولفه مسئولیت پذیری ۲۱ درصد و در مولفه حل مساله ۱۱ درصد تغییرات ناشی از تأثیر آموزش است. همچنین با توجه به این که اثر تعامل بین زمان و آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز در سطح ($p < 0.05$) معنادار است.

جدول ۳ نشان می‌دهد تأثیر زمان اندازه گیری بر نمرات مهارت‌های هیجان مدار در سطح ($p < 0.05$) معنادار است، می‌توان بیان کرد صرف نظر از گروه آزمایشی بین میانگین نمرات مهارت‌های هیجان مدار در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت ۱۶ درصد این تغییرات ناشی از تأثیر زمان است. تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز بر نمرات مهارت‌های هیجان مدار در سطح ($p < 0.05$) معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از زمان

تعامل بین زمان و آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار نیز در سطح ($p < 0/05$) معنادار است.

گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت ۶۴ درصد این تغییرات ناشی از تأثیر آموزش است. همچنین با توجه به این که اثر

جدول ۱: تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مهارت های مساله مدار (نمره کل) در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	معنی داری	اندازه اثر
مهارت‌های مساله مدار	زمان	۱۶۹۳/۲۱	۲	۸۵/۸۴	<0/001	0/59
	گروه	۳۵۵/۶۰	۱	۸/۸۲	0/004	0/13
	زمان*گروه	۱۷۰۱/۴۱	۲	۸۶/۲۵	<0/001	0/59

جدول ۲: تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مولفه‌های مهارت های مساله مدار در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	معنی داری	اندازه اثر
برآورد مثبت	زمان	۹/۷۴	۲	۲/۱۱	0/۱۲۵	0/03
	گروه	۸/۴۵	۱	۱/۲۹	0/۲۵۹	0/02
	زمان*گروه	۵/۷۰	۲	۱/۲۳	0/۲۹۴	0/02
حمایت یابی	زمان	۱۰۳/۱۴	۱۸۰	۲۶/۸۲	<0/001	0/31
	گروه	۷۴/۷۵	۱	۱۲/۹۱	0/001	0/18
	زمان*گروه	۸۵/۸۱	۱۸۰	۲۲/۳۱	<0/001	0/27
مسئولیت پذیری	زمان	۱۶۹/۲۱	۲	۴۱/۷۴	<0/001	0/41
	گروه	۱۹۰/۱۳	۱	۱۶/۱۷	<0/001	0/21
	زمان*گروه	۱۶۹/۶۷	۲	۴۱/۸۵	<0/001	0/41
حل مسئله	زمان	۴۳۰/۰۱	۱/۷۶	۵۸/۷۱	<0/001	0/50
	گروه	۱۰۷/۳۳	۱	۷/۶۹	0/007	0/11
	زمان*گروه	۳۱۸/۵۴	۱/۷۶	۴۳/۴۹	<0/001	0/42

جدول ۳: تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مهارت های هیجان مدار (نمره کل) در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	معنی داری	اندازه اثر
مهارت‌های هیجان مدار	زمان	۵۰۹/۸۷	۱/۸۱	۱۱/۲۴	<0/001	0/16
	گروه	۱۲۲۲	۱	۳۹/۲۸	<0/001	0/40
	زمان*گروه	۸۱۳/۴۷	۱/۸۱	۱۷/۹۳	<0/001	0/23

جدول ۴: تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر مولفه های مهارت های هیجان مدار در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	مقدار احتمال	اندازه اثر
رویارویی	زمان	۷/۰۷	۲	۰/۹۶	۰/۳۸۵	۰/۰۱
	گروه	۲۰/۶۷	۱	۳/۴۳	۰/۰۶۹	۰/۰۵
	زمان*گروه	۸/۱۴	۲	۱/۱۰	۰/۳۳۳	۰/۰۱
دوری جویی	زمان	۱۰۷/۳۴	۲	۱/۷۵	<۰/۰۰۱	۰/۱۸
	گروه	۵۱۳/۴۲	۱	۵۰/۳۲	<۰/۰۰۱	۰/۴۶
	زمان*گروه	۲۷۳/۱۴	۲	۳۲/۴۵	<۰/۰۰۱	۰/۳۵
خویشتن داری	زمان	۳۴/۴۳	۱/۳۴	۲/۰۲	۰/۱۵۵	۰/۰۳
	گروه	۰/۰۸	۱	۰/۰۱	۰/۹۲۱	۰/۰۰۰۱
	زمان*گروه	۱۴/۲۱	۱/۳۰	۰/۸۳	۰/۳۹۳	۰/۰۱
گریز-اجتناب	زمان	۷۰/۸۷	۲	۱۱/۳۴	<۰/۰۰۱	۰/۱۶
	گروه	۶۲/۴۲	۱	۱۰/۹۰	۰/۰۰۲	۰/۱۵
	زمان*گروه	۶۸/۸۷	۲	۱۱/۰۲	<۰/۰۰۱	۰/۱۶

جدول ۵: تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرراسترس در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	معنی داری	اندازه اثر
استرس	زمان	۶۴۸۲/۰۱	۱/۷۴	۸۱/۷۷	<۰/۰۰۱	۰/۵۸
	گروه	۱۳۲۹۵/۶۰	۱	۱۰۶/۹۲	<۰/۰۰۱	۰/۶۴
	زمان*گروه	۷۱۱۲/۶۷	۱/۷۴	۸۹/۷۳	<۰/۰۰۱	۰/۶۰

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که آموزش راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار، تأثیر معناداری بر افزایش استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای مسئله مدار، شامل مسئولیت پذیری، حل مسئله، برآورد مثبت و حمایت یابی در مادران کودکان دارای اختلالات یادگیری دارد. این تأثیر در مرحله پس آزمون و همچنین در پیگیری دو ماهه پس از مداخله، به‌ویژه در مؤلفه‌های

حمایت یابی، مسئولیت پذیری و حل مسئله، پایدار باقی مانده است.

این یافته با نتایج مطالعه ابراهیمی (۱۶)، آقا یوسفی و همکاران (۱۷)، باقری و همکاران (۱۸)، همسو است. مطالعه (۱۶) که بر روی مادران کودکان با اختلال یادگیری انجام شده بود، بیانگر این است که پس از آموزش، استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای مساله مدار در مادران افزایش یافته است. در این مطالعه تنها راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار

این مطالعه همخوانی دارد. اما در مورد مولفه برآورد مثبت، پژوهش حاضر با نتایج این مطالعه ناهمسو است. از دلایل این ناهمسوئی می‌توان به تفاوت در تعداد و مدت جلسات آموزشی این دو مطالعه اشاره نمود که در مطالعه (۱۷) شامل هشت جلسه دو ساعته جلسات آموزشی و متفاوت از پژوهش حاضر، مشتمل بر ۱۰ جلسه یک ساعته، بود و محقق زمان بیشتری را برای آموزش برآورد مثبت و فاکتورهای مرتبط با آن اختصاص داده است. در واقع برای یادگیری رفتار یا مهارت بخصوص و عادت شدن آن، به زمان بیشتری نیاز است. در مطالعه (۱۸) هم نشان داده شد استفاده از استراتژیهای حل مساله در مادران با کودک نارس، افزایش و استفاده از مقابله هیجان مدار در آنان کاهش یافته است.

دیگر نتایج مطالعه حاضر همچنین نشان داد که آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار بصورت مجازی بر استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای هیجان مدار و مولفه‌های آن (گریز-اجتناب، رویارویی، دوری جویی، خویشتن داری) در مادران کودکان با اختلالات یادگیری موثر بوده است. نتایج نشان داد، تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار در پس آزمون و همچنین پس از دو ماه پیگیری در کاهش مهارت‌های مقابله‌ای هیجان مدار (دوری جویی و گریز-اجتناب) پایدار بوده اما این تأثیر برای مولفه‌های خویشتن داری و رویارویی، پس از گذشت دو ماه پیگیری، پایدار نبوده است. نتایج مطالعه (۱۷) همسو با پژوهش نشان داد بعد از آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، راهبردهای مقابله‌ای چون دوری جویی و گریز اجتناب کاهش یافت.

در مورد معنادار نبودن نتایج در مولفه رویارویی نیز می‌توان گفت، در پژوهش (۱۷) نیز این مولفه معنادار نشد، می‌توان گفت، در جلسات آموزشی پژوهش حاضر روی آموزش این مهارت تمرکز مستقیم نشده بود و بیشتر متمرکز بر آموزش راهبردهای مساله مدار بوده و راهبردهای هیجان مدار مانند رویارویی را کمتر مورد کاوش قرار داده است و راهبردهای جبرانی را مطرح نکرده است. طبق تحقیقات انجام شده زنان نسبت به مردان بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان در مواجهه با مسائل روزمره شان استفاده می‌کنند، در حالی که مردان بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای متمرکز بر مساله بهره می‌برند و از آنجاییکه مادران کودکان استثنایی

مورد ارزیابی قرار گرفته بودند و به راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار پرداخته نشده بود. در نتیجه‌ی این آموزش‌ها و تمرین و بکارگیری آن‌ها، مهارت حل مدبرانه مساله در مقابله با استرس در افراد افزایش و بهبود می‌یابد. برخی از شیوه‌های راهبرد مسئله مدار (جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت پذیری، حل مساله) طی برنامه آموزش مهارت مقابله با استرس، این مهارت‌ها به فرد آموزش داده می‌شود و در نتیجه فرد به منظور کاهش یا حذف پیامدهای ناخوشایند استرس، سعی می‌کند بر عامل‌های استرس‌زا تسلط یافته و در موقعیت‌های استرس‌زا از شیوه مقابله مسئله مدار بیش تر استفاده کند (۱۶). در پژوهش حاضر، با تمرینات و فعالیت‌هایی چون ایجاد سیستم حمایت اجتماعی که در آن افراد ترغیب شدند تا یک سیستم حمایتی برای خود ایجاد کنند، مولفه جستجوی حمایت اجتماعی بهبود یافت. در زمینه مسئولیت پذیری نیز مادران آموزش‌هایی در زمینه تصمیم‌گیری درست و مراحل آن و مسئولیت‌پذیری در قبال تصمیم‌ها را دریافت کردند که این آموزش‌ها می‌تواند در بهبود مولفه مسئولیت پذیری تأثیرگذار باشد. در زمینه حل مساله نیز دو جلسه آموزشی به این مهارت اختصاص یافته بود که در آن مراحل حل مساله به مادران آموزش داده شد که این آموزش‌ها می‌تواند در بهبود مولفه حل مساله موثر باشد. در مورد معنادار نبودن نتایج در مولفه برآورد مثبت نیز می‌توان گفت، این مولفه مجموعه تلاش‌هایی است که در جهت ایجاد مفاهیم مثبت با توجه به درجه تکامل فردی اصلاح می‌گردد. مولفه‌های مذهبی که می‌توانند در ایجاد این مفاهیم سهیم باشند که جلسات آموزشی که در پژوهش حاضر اجرا شد تأکیدی روی مولفه‌های مذهبی نداشت و از طرفی روی مهارت برآورد مثبت تمرکز مستقیم نشده بود. مطالعه آقا یوسفی و همکاران (۱۷) تایید کرد که بکارگیری راهبردهای جستجوی حمایت اجتماعی و باز برآورد مثبت بعد از آموزش مهارت‌های مقابله‌ای افزایش یافته‌اند. سبک مهارت‌های مقابله‌ای مساله مدار شامل، دستیابی به منابع و اطلاعات بیشتر درباره مساله، تغییر ساختار مساله از لحاظ شناختی و اولویت بندی مراحل جهت تمرکز بر حل مساله است (۱۷). در مورد حمایت جویی اجتماعی یافته پژوهش حاضر با نتایج

کرده و در نتیجه، ارتباط بین مادر و کودک بهتر شده و رشد می‌یابد. در روش مقابله مساله مدار، فرد سعی می‌کند موقعیت را بهتر بشناسد و منبع استرس را تغییر دهد یا کنترل کند و در نهایت تحلیلی منطقی از آن داشته باشد، همچنین او تلاش می‌کند بر موقعیت مسلط شود (۲۵) و این روند می‌تواند در افزایش سلامت روانی فرد موثر واقع شود.

محدودیت‌ها

این مطالعه دارای نقاط قوتی از جمله ماهیت تجربی آن و بررسی تأثیرات مثبت کوتاه مدت و میان مدت مداخله بود. با این حال، محدودیت‌هایی نیز وجود داشت؛ از جمله برگزاری جلسات آموزشی به صورت مجازی در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، محدودیت‌های زمانی و مکانی، عدم امکان بررسی تأثیرات بلندمدت، چالش‌های مربوط به برگزاری جلسات آنلاین، و دشواری در کنترل کامل متغیرهای مداخله‌گر. همچنین استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است با تحریف پاسخ‌ها همراه بوده باشد. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر تنها بر روی مادران کودکان دارای اختلال یادگیری و در بستر مجازی انجام شده است؛ از این رو در تعمیم نتایج به سایر گروه‌های کودکان با نیازهای ویژه یا شرایط متفاوت باید با احتیاط عمل شود.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود این مداخله در قالب کارگاه‌های مجازی برای والدین سایر گروه‌های کودکان با نیازهای ویژه نیز اجرا گردد. همچنین بهره‌گیری از ابزارهای سنجش متعدد و دارای پایایی و روایی مناسب، و به کارگیری روش‌هایی نظیر مصاحبه می‌تواند به گردآوری داده‌های دقیق‌تر و افزایش اعتبار نتایج در مطالعات آتی کمک کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اثربخشی آموزش راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار در کاهش استرس و ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار (شامل حمایت‌یابی، مسئولیت‌پذیری و حل مسئله)، و نیز کاهش استفاده از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار (مانند دوری جویی و گریز-اجتناب)، می‌توان نتیجه گرفت که این برنامه آموزشی می‌تواند برای مادران کودکان دارای اختلالات یادگیری مؤثر باشد. این مادران، که در مواجهه با نیازهای خاص فرزندان خود با فشارهای روانی و استرس بالایی روبه‌رو

سطح بالایی از فشار روانی را تجربه می‌کنند از سبک‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان استفاده‌ی بیشتری می‌کنند (۱۹ و ۲۰ و ۲۱)، برای استفاده درست از سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و آموزش متمرکز روی این مهارت‌ها، باید زمان بیشتری به این منظور اختصاص داد.

در مورد عدم معناداری نتایج در مولفه خویشتن داری نیز می‌توان گفت، جلسات آموزشی که در پژوهش حاضر اجرا شد تأکیدی روی آموزش خویشتن داری یا خودکنترلی نداشت و از طرفی روی این مولفه تمرکز مستقیم نشده بود و بیشتر متمرکز بر آموزش راهبردهای مساله مدار بود. از طرفی این نتیجه ناهمسو با پژوهش (۱۶) است که در آن مولفه خویشتن داری به عنوان راهبردی سازگارانه در نظر گرفته شده بود که پس از آموزش‌ها افزایش معناداری پیدا کرده بود اما با توجه به تعریف این مولفه و این که در دسته‌بندی مقابله‌های هیجان‌مدار قرار دارد و با توجه به اینکه زنان نسبت به مردان بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان در مواجهه با مسائل روزمره شان استفاده می‌کنند، بنابراین برای استفاده درست از سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار، آموزش متمرکز روی این مهارت‌ها باید در نظر گرفته شود.

در مورد تاثیر آموزش مهارت‌های مساله مدار بر استرس مادران، نتایج مطالعه حال حاضر نشان داد، تأثیر آموزش راهبردهای مقابله‌ای مساله مدار در پس آزمون و همچنین پس از دو ماه پیگیری در کاهش استرس پایدار بوده است. با در نظر گرفتن اندازه اثر می‌توان گفت در استرس ۶۰ درصد تغییرات ناشی از آموزش است که بعد از دوماه پایدار بوده است. این یافته با نتایج مطالعات (۲۲-۲۳-۲۴) همسو می‌باشد. در مطالعه‌ای (۲۲)، نشان داده شد بعد از مداخله آموزش استراتژی‌های مقابله، استرس مادران کودکان دچار طیف اتیسم کاهش یافت. همچنین در یافته‌ای دیگر مشخص شده، آموزش مهارت‌های حل مساله، می‌تواند استرس، اضطراب و افسردگی مادران دارای کودکان با کم توانی را کاهش دهد (۲۳) و پژوهشی (۲۴) در مورد آموزش مهارت‌های مقابله بر روی استرس مادران کودکان ناشنوا هم نشان داده که بعد از آموزش، استرس این مادران کاهش یافته است. این نوع آموزش‌ها به پروسه پذیرش روانی مادران کمک

کرده است، و بدینوسیله از حمایت‌های دانشگاه، اساتید و متخصصین مراکز اختلالات یادگیری و مادرانی که ما را در این مطالعه یاری کردند، تقدیر و تشکر می‌گردد. در جهت حفظ رعایت اصول اخلاقی سعی شد تا جمع آوری اطلاعات پس از جلب رضایت شرکت کنندگان انجام شود. همچنین به آنها درباره رازداری در حفظ اطلاعات و ارائه نتایج بدون قید نام و مشخصات، اطمینان داده شد.

هستند، با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی نظیر حل مسئله، افزایش مسئولیت‌پذیری، تقویت کنترل درونی و ایجاد شبکه حمایت اجتماعی، می‌توانند شیوه‌های مقابله‌ای مؤثرتری اتخاذ کرده و به تبع آن، میزان استرس تجربه‌شده را کاهش دهند.

سپاسگزاری

این مطالعه کد اخلاق IR.USWR.REC.1400.133 را از دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی تهران دریافت

References

- 1- Chieffo, D. P. R., Arcangeli, V., Moriconi, F., Marfoli, A., Lino, F., Vannuccini, S., Marconi, E., Turrini, I., Brogna, C., Veredice, C., Antonietti, A., Sana, G., & Mercuri, E. M. Specific learning disorders (SLD) and behavior impairment: comorbidity or specific profile? *Children* 2023; 10(8): 1-8.
- 2- Kohli A, Sharma S, Padhy SK. Specific Learning Disabilities: Issues that Remain Unanswered. *Indian J Psychol Med.* 2018 ;40(5): 399-405.
- 3- Lubiewska K, Derbis R. Relations between Parenting Stress, Attachment, and Life Satisfaction in Mothers of Adolescent Children Polish. *Journal of Applied Psychology* 2016; 14: 87– 112.
- 4- Kleinke, C L. Coping with Life Challenges (Translated by Mohamadkhani Sh). Special Media publishing, (Persian), 2019.
- 5-Compas B E, Jaser S S, Bettis A H, Watson K H, Gruhn M A, Dunbar J P, Thigpen J C. Coping, emotion regulation, and psychopathology in childhood and adolescence: A meta-analysis narrative review. *Psychological bulletin* 2017; 143: 939-991.
- 6-Meng X, D'Arcy C. Coping strategies and distress reduction in psychological well-being? A structural equation modelling analysis using a national population sample. *Epidemiology and psychiatric sciences* 2016; 25: 370-383.
- 7- Woodhouse, S., Hebbard, G., & Knowles, S. R. Exploring symptom severity, illness

perceptions, coping styles, and well-being in gastroparesis patients using the common sense model. *Digestive Diseases and Sciences* 2018; 63: 958-965.

8- Rose, N. N., & Mustafa, M. Y. (2018). Stress among Working Women: Counselling Services Using the Lazarus Stress Theory and the Practice of Solution-Focused Therapy. *Asian Social Work Journal* 2018; 3: 28-34.

9- Mahmoudi F, Beliad M R, Jian Bagheri M, Shah Nazari M, Zaharakar K. Structural Model of Psychological Well-being Based on Negative Life Events and Mindfulness with Emphasis on the Mediation of Coping Styles. *QJCR* 2021; 20 (77): 38-60. (Persian).

10- Pourmohamadreza-Tajrishi M, Azadfallah P, Hemmati Garakani S, and Bakhshi, E. The Effect of Problem-Focused Coping Strategy Training on Psychological Symptoms of Mothers of Children with Down Syndrom. *Iran J Public Health.* 2015; 44(2): 254–262.

11- Arif A, Ashraf F, Nusrat A. Stress and coping strategies in parents of children with special needs. *Journal of the Pakistan Medical Association.* 2021; 71, 5: 1369-1372.

12-Martínez B B, Custódio R P. Relationship between mental health and spiritual wellbeing among hemodialysis patients: a correlation study. *Sao Paulo Medical Journal* 2014; 132: 23-27.

13- Yosi Eka Putri1 , Dinie Ratri Desiningrum . Coping Strategies in Mothers of Children with Special Needs: A Systematic Literature Review. *ICPSYCHE.* 2024; 1-14.

- 14- Sheykhohreslami A, seyedesmaili ghomi N. The Effectiveness of Mindfulness-Based Techniques Training on Psychological Distress of Mothers of Child with Special Learning Disability. Quarterly of Psychology of Exceptional Individuals. 2019; 9: 183-196.
- 15-Lazaros RS, Folkman S. Coping and adaptation centry (ED). The handbook of Behavioral medicine, New York. Guilford press. 1985.
- 16- Ebrahimi Moghadam H, Arab Yarmohammadi L, Zadbagher seighalani M, Arab Ameri M. The effect of problem-based coping strategies on mothers' stress with learning disabilities children (LD). Quarterly Journal of Educational Psychology Islamic Azad University Tonekabon Branch 2016; 7: 43-50. (Persian).
- 17- Agha-yousefi A, Alagheband M. The effect of coping –therapy on coping ways of mothers with epileptic children. Journal of Behavioral Sciences 2013; 6: 363-368. (Persian).
18. Bagheri M, Ramezani M, Vaghee S, Sadeghi T. The Effect of Applying Problem-solving Skills on Stress Coping Styles and Emotional Self-efficacy in Mothers of Preterm Neonates: A Randomized Clinical Trial. IJCBNM. 2024; 12(4):254-266.
- 19- Salari M, Kashani nia Z, Davachi A, Zoladl M, Babaie GH. The effect of education on coping style among mothers of educable mentally retarded children. J Rehab 2007; 8: 75-80.
- 20-Hastings RP, Kovshoff H, Brown T, Ward NJ, Degli Espinosa F, Remington B. Coping strategies in mothers and fathers of preschool and school-age children with autism. Autism 2005; 9: 377-391.
- 21-Glidden LM, Billings FJ, Jobe BM. Personality, coping style and well-being of parents rearing children with developmental disabilities. Journal of Intellectual Disability Research 2006; 50 (12): 949–62.
- 22- Nagwa Ramadan Esmail Magor , Fathia El-Sayed El-Ghadban, Sharbat Thabet Hassanine Atea,Hala Hassan Saied Khalil , Mona Gamal Abd Elnaser Ahmed, Manal Mohamed Ahmed Ayed. Effect of Parent Training regarding Coping Strategies on Reducing Stress among Parent of Children with Autism Spectrum Disorder. Egyptian Journal of Health Care; 2021; 12: 47-60.
- 23- Habibi M, Zamani N, Abedini S, Jamshidnejad N. Effectiveness of problem-solving training, exposure therapy, and the combined method on depression, anxiety, and stress in mothers of children with special needs. International Journal of Educational and Psychological Researches 2015; 1 (4): 246-252.
- 24- Noor Abadi Z, Hassan Zadeh S, Lavasani M, Farzadmehr M. The Effectiveness of Training Coping Skills Program on Parental Stress of Mothers with Deaf Child (1-3 ys) in Gorgan Province. J Except Educ 2015; 6 (128): 13-20.
- 25-Carrol I. Problem-Focused Coping.I n: Gellman, M.D. (eds) Encyclopedia of Behavioral Medicine. Springer, Cham.2020.



The Effect of Problem-Focused Coping Skills Training on Coping Styles and Stress Levels in Mothers of Children with Learning Disabilities: An Experimental Study

Fatemeh Rajabian (MSc)¹, Narges Adibsereshki (PhD)^{2*}, Marjan Posht Mashhadi (PhD)³, Mohsen Vahedi (PhD)⁴

Original Article

Abstract

Background: Having a child with a learning disability in the family can be a significant source of stress, necessitating the development of effective coping responses, particularly by mothers. Coping skills training provides useful strategies that can support parents during challenging times. The present study aimed to investigate the effect of problem-focused coping strategies training on coping skills and stress reduction in mothers of children with learning disabilities.

Methods: This experimental study employed a pretest-posttest-follow-up design with a control group. The sample included 60 mothers of children aged 8–12 years with learning disabilities, selected from a learning disorder center in Mashhad, Iran, and randomly assigned to experimental and control groups (30 in each). Both groups completed the pretest, after which the experimental group participated in 10 sessions of problem-focused coping skills training. The control group received no intervention. Posttests were conducted after the sessions, and follow-up assessments were performed two months later. Data collection tools included the Abidin Parenting Stress Index (1995) and the Lazarus and Folkman Coping Strategies Questionnaire (1984).

Results: Significant differences were observed between the two groups across the three assessment points (pretest, posttest, and follow-up) in terms of problem-focused coping, emotion-focused coping, and stress levels ($p < 0.05$). In the intervention group, scores for problem-focused coping (seeking support, responsibility-taking, and problem-solving), emotion-focused coping (distancing, escape-avoidance), and stress significantly improved in both posttest and follow-up stages ($p < 0.05$). However, the effects of training on positive reappraisal, self-control, and confrontive coping were not sustained at the two-month follow-up ($p > 0.05$).

Conclusion: Problem-focused coping strategies training can positively influence the use of both problem-focused and emotion-focused coping strategies. It is recommended to implement such training programs to support mothers—especially those of children with learning disabilities—in reducing stress and improving effective coping in response to challenges.

Keywords: Problem-focused coping strategies, Stress, Mothers, Learning disabilities

Corresponding author: Narges Adibsereshki, Faculty of Psychology and Education of exceptional children, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. Email: na.adib@uswr.ac.ir

1. MSc in Psychology and Exceptional children Education, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Faculty of Psychology and Education of exceptional children, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of civil psychology, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.
4. Associated professor, Department of Biostatistics and Epidemiology, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

Received: 22.01.2025

Revised: 13.04.2025

Accepted: 15.04.2025